



نشریه علمی علم و تمدن در اسلام

سال ششم / شماره بیست و یکم / پاییز ۱۴۰۳



doi: 10.22034/icrs.2025.500983.1316

## تأثیرات علمی امام جعفر صادق (ع) بر گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی

سید محسن شریفی<sup>۱</sup>

## چکیده

امام جعفر صادق (ع) در دوره‌ای به امامت رسید که شرایط سیاسی و اجتماعی مناسبی در جامعه اسلامی برای فعالیت‌های علمی فراهم بود. این نوشتار با روش توصیفی و تحلیلی به دنبال این هدف است که تبیینی دقیق از نقش و دستاوردهای آن حضرت در گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی ارائه نماید. دست‌یابی به پاسخ این پرسش که امام صادق (ع) چه تأثیرات علمی بر گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی داشته است، به طور طبیعی نیازمند بررسی اقدامات ایشان در راستای شاخص‌های علمی و تأثیرات اجتماعی بر جامعه علمی این عصر می‌باشد. روش پژوهش مبتنی بر توصیف و تحلیل محتوا بوده و روش جمع‌آوری داده‌ها به صورت بررسی اسناد و مدارک از مجموع منابع تاریخی و حدیثی است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد امام صادق (ع) با تأسیس پایگاه علمی در مدینه نهضتی فرهنگی را آغاز کردند که تأسیس مکتب علمی با شاخص‌های نظام آموزشی جامع، تربیت شاگردان برجسته، توسعه روش‌های علمی و تاثیرگذاری بر سایر مذاهب اسلامی بخشی از دستاوردهای این نهضت می‌باشد. افزون بر پیشرفت علوم مختلف، گستره وسیع پیروان مذاهب مختلف اسلامی و تأثیرات عمیق بر فضای مطلوب علمی، این گونه اقدامات زمینه‌ساز تثبیت جایگاه آن حضرت و ماندگار شدن آوازه علمی ایشان شد.

**واژه‌های کلیدی:** امام جعفر صادق (ع)، علم، فرهنگ، تربیت شاگرد، تمدن اسلامی.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران. mohsen.sharifi@qom.ac.ir

(۱۲۱-۱۰۳)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۶ نوع مقاله: ترویجی

## **The scientific influences of Imam Jafar Sadiq (AS) on the development of Islamic culture and civilization**

Seyyed Mohsen Sharifi<sup>1</sup>

### **Abstract**

Imam Jafar Sadiq (AS) attained the Imamate during a period when the political and social conditions in the Islamic society were suitable for scientific activities. This article, using a descriptive and analytical method, seeks to provide a detailed explanation of the role and achievements of that Imam in the development of Islamic culture and civilization. Achieving an answer to the question of what scientific influences Imam Sadiq (AS) had on the development of Islamic culture and civilization naturally requires examining his actions in line with scientific indicators and social influences on the scientific community of this era. The research method is based on description and content analysis, and the data collection method is in the form of examining documents and evidence from a collection of historical and hadith sources. The findings of this research show that Imam Sadiq (AS) started a cultural movement by establishing a scientific base in Medina, and the establishment of a scientific school with indicators of a comprehensive educational system, training outstanding students, developing scientific methods, and influencing other Islamic sects are some of the achievements of this movement. In addition to the advancement of various sciences, the wide range of followers of various Islamic sects, and the profound impact on the favorable scientific atmosphere, such actions paved the way for the consolidation of his position and the perpetuation of his scientific reputation.

**Keywords:** Imam Jafar Sadiq (AS); scientific; culture ;student training; Islamic civilization.

---

1. Assistant Professor Department of Islamic Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Qom, Qom, Iran.      mohsen.sharifi@qom.ac.ir

## مقدمه

تمدن به عنوان یک پدیده انسانی، اجتماعی، که دارای ابعاد گسترده در حیطه‌های مختلف می‌باشد، در واقع محصول تفکرات نهفته در ورای آن و یا به عبارتی اندیشه‌های بنیانی و اساسی آن می‌باشد. بدین صورت که لازمه وجود اندیشه و دانش برای ساختن تمدن، امری مسلم و اجتناب‌ناپذیر است و بدون آن تمدن بنیان نمی‌پذیرد. از این رو علم و دانش از بن‌مایه‌های اصلی هر تمدن، به ویژه تمدن اسلامی است که نقش حیاتی در شکل‌گیری و پیشرفت جوامع ایفا کرده است.

در دوران جاهلیت، جامعه عرب به شدت از کمبود علم و دانش رنج می‌برد و این وضعیت با ظهور اسلام تغییرات اساسی را تجربه کرد و بذر تمدنی توسط پیامبر اکرم (ص) در جامعه‌ای افشاند شد که به جهالت، بربریت و بی‌بهره بودن از علم و دانش شهره بود. امیرالمومنین علی (ع) این جامعه را در توصیفی رسا چنین معرفی می‌کند: «انسان‌های به دور از تمدن و جمعی از مردمانی که بدترین عقاید را داشته و در بدترین جایگاه‌ها زندگی می‌کردند و محل سکونتشان سنگلاخ و حتی از آب و غذای سالم بی‌بهره بودند» (نهج البلاغه، خطبه ۲۶). این تعبیر بهترین و گویاترین ترسیم از زندگی آنها، در ابعاد فکری، علمی و اجتماعی می‌باشد (مکارم شیرازی، ج ۲: ۱۰۶). با این همه در مدت کوتاهی از دل بربریت عرب جاهلی، جامعه‌ای دینی منسجم و پرانگیزه شکل گرفت که سنگ‌بنای تمدنی زیبا بر پایه علم و دانش را بنا نهاد. این تحول با ظهور اسلام و رهبری پیامبر اکرم (ص) آغاز و با هدایت ائمه ادامه یافت.

پس از واقعه عاشورا، ائمه اطهار (ع) به طور معناداری رویکرد جدیدی را در پیش گرفتند که بر مبارزه فرهنگی تمرکز داشت. این رویکرد می‌توانست به اشکال مختلفی ظهور و بروز یابد. واقعیت این است که ارتباط امامان با حاکمان اسلامی تنها محدود به مبارزه و مخالفت نبود؛ بلکه در مواردی تعامل و همکاری‌های گوناگونی نیز بین آنها برقرار می‌شد. به ویژه در مسائل علمی، فرهنگی و اجتماعی، نیاز جامعه و حاکمیت به امامان کاملاً ملموس بود. به این ترتیب، نقش ویژه و معناداری برای امامان در تمدن اسلامی شکل گرفت که تأثیرات عمیقی در حوزه‌های علمی و تمدنی بر جای گذاشت.

از میان ائمه اطهار (ع) امام صادق (ع) در دوره‌ای به امامت رسید که شرایط سیاسی و اجتماعی مناسبی برای فعالیت‌های علمی فراهم بود. ایشان با تأسیس پایگاه‌های علمی در مدینه و برگزاری

مناظرات علمی، نهضتی فرهنگی را آغاز کردند که به گسترش علوم مختلف منجر شد. آن حضرت با توجه به شرایط سیاسی زمان خود، تلاش کردند تا با تکیه بر علم و دانش، جامعه اسلامی را در مسیر علمی قرار دهند. ایشان با گسترش معارف اسلامی و ایجاد فضایی برای بحث و تبادل نظر، زمینه‌ساز رشد علمی، اجتماعی و فرهنگی جامعه اسلامی شد. این نوشتار به دنبال بررسی تأثیرات علمی و اجتماعی امام صادق (ع) در جامعه اسلامی و به طور طبیعی بر تمدن اسلامی می‌باشد.

با وجود تدوین مقاله‌های همچون «سیره آموزشی امام صادق (ع)» از فاکرمبیدی، «ویژگی‌های و شاخصه‌های نظام آموزشی امام صادق (ع)» از جان‌احمدی و نیک‌آفرین، «تبیین موقعیت راهبردی امام صادق (ع) در مهندسی فرهنگ و تمدن اسلامی» از رهبری، «بررسی نقش ائمه شیعه تا امام رضا (ع) در گسترش و پیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی» از چراغیان راد، «الزامات، اصول و روش‌های اخلاقی و آموزشی شاگردپروری از دیدگاه امام صادق (ع)» از هدایت‌پناه و پیوندی بلدی، «نقش امام صادق (ع) در علوم طبیعی» از شریفی، که موضوع این پژوهش‌ها بیشترین ارتباط را با نقش تاریخی امام در فرهنگ و تمدن اسلامی دارند، درباره تأثیرات علمی و اجتماعی آن حضرت بر تمدن اسلامی با نگاه تحلیلی جای پژوهش وجود دارد. پژوهش پیش رو نیز با توجه به میراث علمی امام صادق (ع) تلاش می‌کند، تحلیلی از تأثیرات علمی و اجتماعی امام بر تمدن اسلامی ارائه نماید.

## اقدامات علمی امام صادق (ع)

### ۱. نظام آموزشی جامع

دوره امام صادق (ع) بستر زمانی آماده برای نشر علوم اسلامی بود و آن حضرت اقدام به برپایی دانشگاهی در مدینه نمود که کانون بحوث مختلف علمی گردید (چراغیان راد، ۱۳۹۸: ۶۰). در این زمان، به خاطر شرایط سیاسی، امام صادق (ع) فرصتی شایسته به دست آورد، تا با ایجاد نظام آموزشی با تکیه بر معارف اهل بیت چهره واقعی علم را وارد عرصه جامعه اسلامی نماید. این تلاش‌ها، در اندک گشایش فضای سیاسی پدید آمده را عصر انتشار فقه آل محمد با به تعبیر دیگر، روزگار تعلیم و تدریس فقه جعفری نام نهادند (شهیدی، ۱۳۸۴: ۶۰). از این نظر عصر امام صادق (ع) دوره اوج دوران تحرک و فعالیت‌های علمی شهر مدینه پس از رحلت رسول خدا (ص) بود و از نظر عنایت به

علوم و احادیث اهل بیت آن چنان قابل توجه می‌باشد که توسط برخی از بزرگان مانند شیخ آقا بزرگ تهرانی از آن با عنوان «عصر انتشار علوم آل محمد (ص) و عصر نور و رحمت» یاد شده است (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۱۳۱).

دونالدسن اسلام‌شناس آمریکایی که مبلغ کلیسا هم بوده جامعیت نظام آموزشی امام صادق (ع) را چنین بازگو می‌کند: «از توصیفی که ما از امام جعفر صادق درباره اکرام و پذیرائی او از میهمانانش در بستان جمیل و زیبایش در مدینه خوانده‌ایم، و از روی آوردن مردم به وی با وجود اختلاف مذهبهایشان به دست آورده‌ایم این طور برای ما آشکار می‌گردد که دارای مدرسه‌ای شبیه مدرسه سقراطیه بوده است» (دونالدسن، ۱۴۱۰: ۱۴۱). جامعیت نظام آموزشی مکتب امام صادق (ع) برای این محقق غربی بسیار جذاب است که گستره زیادی از فقه، اصول، فلسفه، نجوم، طب و بسیاری دیگر را شامل می‌شده است.

در همین روزگار بود که تألیفات در حوزه‌های مختلف علمی و فور یافته و فقه و حدیث اهل بیت به صورت گسترده تدوین گشت، تا آنجا که در این عصر چهار صد تن از اصحاب امام صادق (ع) چهارصد اثر از احادیث شنیده شده از آن حضرت را پدید آورده که به اصول چهارصدگانه مشهور گشتند (حیدر، ۱۴۲۲، ج ۱: ۲۳۳). باید توجه داشت که فقه اسلامی نه تنها یک علم دینی بلکه به عنوان شالوده اصلی تمدن‌سازی شناخته می‌شود، زیرا نقش فقه در تمدن‌سازی و تکامل زندگی اجتماعی، نقشی فراگیر و مثبت بوده و فقه در حوزه زندگی مادی، مسؤلیت تکامل معیشت را به عهده دارد، از این رو فقه را قانون اساسی و شالوده اصلی تمدن‌سازی می‌دانند (میرمحمدی، ۱۳۹۹: ۱۴۴).

در مکتب امام صادق (ع) گستره دانش و علوم منحصر در دایره علوم دینی نبود و آموزه‌ها و درس‌های آن حضرت شامل علوم طبیعی و تجربی نیز می‌شد (ر.ک: شریفی، ۱۳۹۲: ۴۵-۷۰). بر این اساس آن حضرت را پدر علم شیمی گفته‌اند، چرا که جابر بن حیان شیمی دان شهیر شاگرد خاص امام صادق (ع) بود (حکیمی، ۱۳۷۷: ۱۳۰). آیت الله میانجی در کتاب مکاتیب الاثمه (ع) بیش از صد نامه از نامه‌نگاری‌های امام صادق (ع) را جمع کرده و متن آنها را آورده که در موضوعات مختلف علمی همچون: توحید، ایمان، اهل بیت، مباحث فقهی، طب، نجوم و بسیاری دیگر را شامل می‌شود (احمدی میانجی، ۱۴۲۶، ج ۴: ۱-۳۴۰). در نمونه‌ای از این نامه‌نگاری‌ها جابر بن حیان که درباره

نوعی بیماری دچار مشکل شده بود، از طریق نامه پاسخ مشککش را از امام صادق (ع) جویا شده و امام نیز پاسخ او را به صورت نامه برای او می‌فرستد (همان، ۳۳۹). در مورد دیگری دو برادر پاسخ مشکلات خود درباره علم نجوم را به صورت نامه از امام صادق (ع) دریافت می‌کنند (همان، ۳۴۰). امام صادق (ع) با ایجاد این نظام آموزشی جامع توانست مکتب علمی منسجم و نوین با جدیدترین روش‌های روز ایجاد نماید که دانشجویان آن از اقصی نقاط جهان اسلام در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی و غیر اسلامی را شامل می‌شد و عنوان دانشگاه جامع برای آن برانده است. این اقدامات امام بی‌تردید یکی مهمترین دستاوردهای علمی و تمدنی این دوره محسوب می‌شود.

## ۲. تربیت شاگردان برجسته

یکی از تاثیرگذارترین نقش‌های امام صادق (ع) در گسترش علوم و تمدن اسلامی را باید در تربیت شاگردان متعدد و متخصص دانست. نقش آن حضرت در تربیت شاگردان متخصص و نخبگان علمی، به ویژه در شرایط اجتماعی و سیاسی آن زمان، بسیار حائز اهمیت است. تأکید آن حضرت بر علم و دانش، به گسترش تفکر علمی در جامعه اسلامی کمک شایانی کردند و این رویکرد باعث شد که علم به عنوان یک ارزش اجتماعی مورد توجه قرار گیرد و افراد بیشتری به تحصیل و پژوهش روی آورند. مکتب امام صادق (ع) از این جهت به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز علمی زمان خود شناخته شد و بسیاری از شاگردان امام پس از دانش‌اندوزی، به تأسیس مکتب‌های علمی در مناطق مختلف جهان اسلام پرداختند و بدین ترتیب، دانش و فرهنگ اسلامی را گسترش دادند. از این منظر تربیت شاگردان ممتاز یکی از شاخص‌های تاثیر علمی امام صادق (ع) بر علوم و معارف اسلامی می‌باشد، به طوری که نقش آن حضرت در این زمینه مورد توجه بسیار می‌باشد (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱: ۱۸).

وجود شاگردان متعدد امام صادق (ع) همچون جابر بن حیان، زراره، ابان بن تغلب و دیگران، نشان‌دهنده تأثیر عمیق ایشان بر عالمان دوره بعد می‌باشد. این شاگردان نه تنها آموزه‌های امام را فراگرفتند، بلکه خود نیز به تدریس و ترویج علم پرداختند. فراوانی شاگردان در منابع متعدد رجالی و تاریخی منعکس شده است. در رجال شیخ طوسی نام حدود ۳۲۰۰ نفر را که از مکتب علمی امام صادق (ع) استفاده کرده‌اند، ذکر شده است (طوسی، ۱۳۷۳: ۱۵۵-۳۲۸). در کتاب الارشاد تعداد

این افراد را چهار هزار نفر گفته‌اند (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲: ۲۵۴). ابن عقده که خود یک زیدی مذهب بود در کتاب خود نام این ۴۰۰۰ نفر را ذکر کرده بود که متأسفانه کتاب وی به دست ما نرسیده است (قمی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۵۸).

افزون بر شاگردان برجسته نام امام صادق (ع) در زمره مشایخ شمار زیادی از تابعین همانند یحیی بن سعید انصاری، ایوب سختیانی، ابان بن تغلب، ابوعمرو بن العلاء و یزید بن عبدالله، مالک بن انس، شعبة بن الحجاج، سفیان ثوری، ابن جریج، عبد الله بن عمرو، روح بن قاسم، سفیان بن عیینه، سلیمان بن بلال، اسماعیل بن جعفر، حاتم بن اسماعیل، عبدالعزیز بن مختار، وهب بن خالد و ابراهیم بن طهمان قرار دارد (شهیدی، ۱۳۸۴: ۶۵). بدین سان آوازه علمی و نفوذ معنوی و روحانی امام صادق (ع) در همه جا فراگیر شد و باعث رونق مکتب علمی آن حضرت و تربیت انبوه شاگردانی گردید که مشتاق شدند در فضای حیات علمی گام بردارند.

محققان بر این باور هستند که بسیاری از نویسندگان اصول اربعمانه (اصول چهارصدگانه شیعه)، به عنوان مهم‌ترین منابع کتاب‌های حدیثی زمینه‌ساز کتب اربعه هستند، از شاگردان امام صادق (ع) بودند (پاکتچی، ۱۳۸۹، ج ۱۸: ۱۸۷).

امام صادق (ع) به دانش‌اندوزان گرایش‌های مختلف آموزش داده و افرادی متخصص را تربیت کرد که تا آن زمان بی‌سابقه بود. این موضوع افزون بر تبیین جایگاه والای آن حضرت بیانگر توانایی و تبحر شاگردان ایشان در علوم مختلف تا سرحد استادی کامل و متخصص می‌باشد. ایشان با تربیت نخبگان علمی و تربیت شاگردان برجسته، نقش حیاتی در گسترش علوم اسلامی ایفا کردند و تأثیرات علمی ایشان توسط شاگردان برجسته‌ای که تربیت کرده بود تداوم یافت و دامنه آن تا امروز نیز ادامه دارد.

### ۳. فراهم‌سازی فضای مطلوب علمی

زمانی که امام جعفر صادق (ع) به امامت رسید، حرکت علمی شیعه به همت امام باقر (ع) در فرآیند توسعه و شکوفایی قرار گرفته بود. آن حضرت بر شالوده بنایی که پدرانشان بنیان نهاده بودند، نهضت علمی خود را پی‌ریزی کرد و حلقه‌های درسی گوناگون زیر نظر ایشان در مسجدالنبی گسترش زیادی یافت (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲: ۱۷۳).

امام صادق (ع) با استفاده از فضای باز سیاسی توانست تعداد فراوانی از مسلمانان مستعد و با انگیزه را وارد عرصه علم‌آموزی نماید و دایره معلومات دینی و علمی را بسیار وسعت داد و طیف گسترده‌ای از دانش‌ها را در اختیار جامعه اسلامی قرار داد (حکیمی، ۱۳۷۷: ۱۳۰).

از محاسن مکتب علمی امام صادق (ع) فرا قومیتی، فرامذهبی و جهان شمولی آن بود، به طوری که مدارای علمی آن حضرت مورد توجه اندیشمندان قرار گرفت. در این نظام تعلیم و تربیتی برای دانشجویان هیچ‌گونه محدودیت فکری، سیاسی، مذهبی، مرزی و سنی وجود نداشت. در چنین فضایی علمی حتی مخالفان امام صادق (ع) و مذهب تشیع نیز می‌توانستند شرکت کنند. این فضای علمی باعث شد تا معارف دینی به صورت گسترده‌تری منتشر شود و نسل‌های آینده نیز از آن بهره‌مند شوند. به طوری که جاحظ (م ۲۵۵ق) متکلم و ادیب اهل سنت آن حضرت را این گونه توصیف می‌کند: جعفر بن محمد از هاشمیان است که دنیا از علم و فقه وی آکنده است (جاحظ، ۲۰۰۲: ۴۵۰). شهرستانی در کتاب ملل و نحل نه تنها ابعاد گسترده علم آن حضرت بلکه شیوه و روش را نیز مورد ستایش قرار داده و می‌نویسد او در امور دین، علمی گسترده و در حکمت روشی پسندیده داشت و پیروانش را از علم خود بهره‌مند ساخت و بر خاصانش اسرار علوم را افزانه کرد (شهرستانی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۱۹۳).

بررسی مناسبات امام صادق (ع) با دیگر گروه‌های علمی و فرهنگی تاثیرگذار در جامعه اسلامی آن عصر نشان از حرکت بر مسیر فراهم‌سازی فضای مطلوب علمی در جامعه دینی بود. به ویژه که به جهت جایگاه علمی آن حضرت محدثان و فقهیان نامدار اهل سنت نزد امام می‌رسیدند و مورد احترام بودند. از مالک بن انس (م ۱۷۹ق) پیشوای فقهی اهل سنت نقل شده نزد جعفر بن محمد می‌رفتم و او مرا گرامی می‌داشت (صدوق، ۱۴۰۰: ۵۴۲) ظاهراً همین ارتباط موجب نقل روایت از امام توسط او شده است (همان، ص ۵۴۳). این پیشوای اهل سنت در بیان دیگری امام را فردی خوش‌مجلس می‌داند که هم‌نشینی با ایشان سود فراوانی نصیب انسان می‌کند (صدوق، ۱۴۰۳، ج ۱: ۲۳۵؛ قاضی عیاض، ۱۴۰۹، ج ۲: ۴۲). این گونه برخوردها فضای علمی جامعه اسلامی را به رشد و توسعه علمی رهنمون می‌سازد. یکی دیگر از شخصیت‌های اهل سنت در این دوره ابن جریج (م ۱۵۰ق) نام دارد که نه تنها نزد امام حضور می‌یافت، بلکه امام نیز در برخی امور فقهی به او ارجاع می‌داد و حتی نظر او را

تصدیق و تأیید می‌کرد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۴۵۱). ابوحنیفه (م ۱۵۰ق) یکی دیگر از پیشوایان اهل سنت این منش و عظمت علمی امام صادق (ع) را چنین توصیف می‌کند: اگر جعفر بن محمد نبود، مردم احکام حج‌شان را نمی‌دانستند (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۲: ۵۱۹).

#### ۴. توسعه روش‌های علمی (کاربردی‌سازی علوم)

امام صادق (ع) در دوره‌ای قرار داشت که جامعه اسلامی با چالش‌های فکری و عقیدتی مواجه بود و یکی از ویژگی‌های این عصر پدید آمدن شبهات و مسائل جدید در نتیجه ورود علوم بیگانه بود که ذهن همگان را به خود مشغول می‌کرد، درباره ویژگی این عصر که هم‌زمان با ترجمه علوم و ورود به جامعه اسلامی است، مباحث زیادی وجود دارد (ر.ک: زریاب خوئی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۶۶۲). با این وجود آنچه مسلم است این حرکت موجب شد، جامعه اسلامی با چالش‌ها و شبهات نوپدید گرفتار شود که یافتن پاسخ محکم و مستدل این پرسش‌ها از محضر امام صادق (ع) موجب شد تا مرجعیت علمی آن حضرت در جامعه شهرت زیادی پیدا کند. این دوره نه تنها به لحاظ کمی بلکه به لحاظ کیفی نیز تحولات عمیقی را تجربه کرد.

در این عصر که اندیشه یونانی متکی بر علوم نظری، روش استدلالی و مسلمات بود، امام صادق (ع) مباحث علمی خود را بر اساس روش تجربی که مورد تأیید قرآن نیز بود پایه‌گذاری کردند و بر این اساس دانشگاه امام صادق (ع) در شهر مدینه پر از دانشمندان و متخصصین در زمینه‌های شیمی، جغرافیا، پزشکی، فلسفه و سایر علوم و همچنین علوم دینی مانند علم الحدیث و فقه بود (ولایتی، ۱۳۹۳، ج ۳: ۳۶).

از لحاظ روشی نیز این دوره تحت تأثیر علوم یونانی بود، به همین جهت هشام بن حکم با تشویق امام صادق (ع) علوم زمانه خود را یاد گرفت و حتی کتاب‌های فلاسفه یونان را خواند و اندیشه یکی از فیلسوفان یونانی را به نقد کشید (صفایی، ۱۳۵۹: ۱۴). شگفت اینکه هشام بن حکم به حدی به فلاسفه ایراد می‌گرفت که خوشایند یحیی برمکی که خود را حامی فلسفه می‌دانست، نبود و موجب جدایی میان آن دو شد و باعث شد که یحیی، هارون را بر ضد هشام تحریک کند (کشی، ۱۳۴۸:

۲۵۸). ابن ندیم و نجاشی از کتاب که هشام بن حکم در رد بر نظریه ارسطو در توحید نوشته یاد کردند (ابن ندیم، ۱۳۹۳: ۲۲۴؛ نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۳۳).

یک گام مهم از منظر روشی در مکتب علمی امام صادق (ع) توجه به حفظ نصوص و روایات حدیثی بود که با گذشتن از مرحله سماع و نقل شفاهی کم کم به مرحله دوم که نگارش و مکتوب کردن آنها بود، رسید. این شیوه که برای حفظ و نگهداری از مجامع علمی روایی اهمیت زیادی دارد، از اصول اساسی اسلام می‌باشد که در روایات مختلفی بر آن تاکید شده است (ر.ک: احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۳۵۹). از این رو امام صادق (ع) تمام شاگردان و اصحاب علمی خود را با شیوه نقل، ضبط و مکتوب کردن احادیث آشنا کرده و با تشکیل محافل علمی به ترویج علم‌نگاری و کتابت پرداخت. در همین عصر بود که کتابت حدیث توسط شاگردان امام صادق علیه السلام امری متداول گشت (کشی، ۱۳۴۸: ۱۴۳). بدین شکل شیوه کتاب‌نگاری در جامعه و تمدن اسلامی نهادینه شد و امام صادق (ع) توانست این شیوه را بین تمام مسلمانان نهادینه نماید، به طوری که تنها شیعیان کتاب‌های زیادی تألیف کردند (حسینی تهرانی، ۱۴۲۲، ج ۱۷/۱۶: ۵۹).

بهره‌گیری گسترده از شیوه عرضه حدیث به عنوان یکی از مهم‌ترین روش‌ها در تاریخ حدیث‌نگاری اسلامی در مکتب علمی امام صادق (ع) نشان عنایت به روش‌های جدید در این دوره است. عرضه حدیث بر تلاشی متفاوت برای زدودن افزوده‌ها و اصلاح کاستی‌ها بوده که در این روش ارائه حدیث یا مجموعه‌های حدیثی بر امامان (ع)، یا اصحاب بزرگ و معتمدشان به جهت تأیید و یا اصلاح ورد امام صورت می‌گرفت (محمدی ری شهری، ۱۳۹۷، ج ۲: ۲۱۶). برای این شیوه فواید بی‌شماری می‌توان برشمرد که کوتاه شدن دست جاعلان و منحرفان از حیطة علم و دانش و به ویژه علوم مهمی چون حدیث از جمله این فواید می‌باشد.

در مکتب امام صادق (ع) عرضه روایات و احادیث به موضوعات و مطالب خاصی اختصاص نداشت و هرگونه دانش و علمی که در جامعه بود و نیاز به بحث و بررسی داشت، بر امام عرضه می‌شد و بهترین و کامل‌ترین پاسخ را نیز دریافت می‌کرد، چنانکه عرضه روایات مربوط به عرصه پزشکی نیز در این شیوه دیده می‌شود (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۴۶۱؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۳۰۸).

استفاده از این شیوه دقیق‌ترین و صحیح‌ترین راهکار علمی برای سنجش صحت و راستی آزمایی دانش‌ها و یا گزاره‌های حدیثی و علمی را ترویج می‌کرد. این روش علمی مورد توجه طیف‌های مختلف علمی و پیروان سایر مذاهب نیز قرار گرفت و سفیان ثوری نیز به همین هدف خدمت امام صادق (ع) رسید (ر.ک: احمدی میانجی، ۱۴۲۶، ج ۴: ۱۴۲). بدین شکل همه دانش‌اندوزان و علم‌پژوهان (اعم از شیعه و سنی) با روش عرضه و نقد و بررسی گزاره‌ها آشنا شده و نوعی روش نوین که برای صحت‌سنجی دانش بسیار کارآمد بود پدید آمد که خود این موضوع نیاز به تحقیق مفصل دارد.

### ۵. گسترش مرزهای دانش

امام صادق (ع) در عصر خود نقش کلیدی در گسترش مرزهای دانش و علوم اسلامی ایفا کرد. در کتاب اعیان الشیعه ۲۴ اثر علمی برای امام صادق (ع) ذکر شده است (امین، ۱۴۰۳، ج ۱: ۶۶۹-۶۶۸).

آن حضرت در پی تقویت بنیان علمی و فعال کردن قوه اجتهاد شاگردان خود بود که گسترش مرزهای دانش را موجب می‌شد. در این راستا از شاگردان خود می‌خواست در مسجدالنبی حلقه فتوا شکل دهند (طوسی، ۱۴۱۷: ۶) و گاه خود نظرهای اجتهادی آنان را تأیید و یا احیاناً رد می‌کرد (منتظرالقائم، ۱۳۸۶: ۲۰۱). آن حضرت اصرار داشت شیوه تفریع و انطباق فروع بر اصول را نیز به شاگردان خود آموزش دهد. از همین رو به جای آن که در برابر پرسش‌های شاگردانش به پاسخ مسئله بسنده کند، آنها را به شیوه یافتن پاسخ دلالت می‌داد و گاه در پاسخ‌گویی به مسئله، دلایل آن را نیز ذکر کرده و شیوه برداشت از قرآن را به صورت عملی نشان می‌داد. به همین جهت در این زمان برخی از قواعد کلی فقهی و اصولی نیز تبیین گردید. این نکته به صراحت در حدیثی مشهور از امام صادق (ع) خطاب به هشام بن سالم آمده است: «بر ما است که اصول و ریشه‌ها و پایه‌های احکام را برای شما بیان کنیم و بر شما است که فروع و دسته‌هایی که از اصل بیرون می‌آیند را به دست آورده طبق آن حکم نمایند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۲۴۵؛ امین، ۱۴۰۳، ج ۱: ۱۰۴).

برخی از مراجعات به امام صادق (ع) جنبه‌های دیگری داشت، اما پیامد آن مشهور گشتن امام در دانش و علوم بود. چنانکه در این دوره فقه تردیدی و روش فرع‌تراشی بر اساس قیاس و اجتهاد در مدرسه ابوحنیفه رواج داشت و شاگردان او به عنوان آزمایش و اظهار فضل مزاحم امام می‌شدند و امام به آنها می‌فهماند که جواب مسأله باید نص صادر از معصوم باشد (کمره‌ای، ۱۳۷۵، ج ۱: ۵۲۷).

از سوی دیگر در راستای گسترش مرزهای دانش، امام صادق (ع) هریک از شاگردان خود را بر طبق استعدادی که داشتند، در یک رشته علمی صاحب تخصص کردند، چنانکه بر طبق گزارش گشی در مناظره‌ای شاگردان امام تبحر و تخصص خود در این باره را به نمایش گذاشتند. طبق این روایت حُمران بن أعین در علوم قرآنی، أبان بن تغلب در ادبیات عرب، زُراره در فقه و مؤمن الطّاق و هشام بن سالم در کلام تخصص داشته‌اند (کشی، ۱۳۴۸: ۲۷۵-۲۷۷). البته تعداد شاگردان امام صادق (ع) در این رشته‌ها بسیار بودند، چنانکه در علم کلام می‌توان از حُمران بن أعین، قیس ماصِر و هشام بن حکم نیز نام برد (پاکتچی، ۱۳۸۹، ج ۱۸: ۱۹۹).

شاگردان امام صادق (ع) نه تنها در علوم دینی، که در رشته‌های گوناگون علوم به راهنمایی آن حضرت دست به کار تحقیق و تالیف شدند، چنانکه ابراهیم بن حبيب فزّاری جداول نجومی به نثر و نظم تألیفاتی دارد و نخستین کسی است که اسطرلاب (آئینه ستاره) را ساخت و کتاب با عنوان تسطیح الکره داشته است (قفطی، ۱۳۷۱: ۱۰۳). همچنین گفته شده که امام صادق (ع) برای نخستین بار پس از امام علی (ع) حرکت زمین را مطرح کرد (منتظرالقائم، ۱۳۸۶: ۲۰۰). جابر بن حیان از مفاخر بزرگ علمی شیعه مفتخر به شاگردی امام بوده و آثار بسیاری در شیمی، ریاضیات، کیمیا، مکانیک، طب، فلسفه و منطق نگاشته است (ابن ندیم، ۱۳۹۳: ۶۳۶). جابر بن حیان در علم شیمی صاحب تخصص بود و موجب توسعه مرزهای دانش در علوم مختلف گردید.

پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات پیروان مذاهب مختلف اسلامی و اشکالات مسیحیان، یهودیان، دهریان و مانویان در مکتب علمی امام صادق (ع) دنبال می‌شد. در این عصر از سوی ارباب ملل و نحل و فرق و مذاهب گوناگون پرسش‌ها و شبهات مختلفی درباره اسلام مطرح می‌شد. امام نیز شاگردان خود را موظف می‌کرد این گونه سؤالات را از طریق مناظره‌های علمی پاسخ دهند و نظرها و افکار غیر علمی ملحدان، معتزله، مُرجئه و خوارج را ابطال کنند (جعفریان، ۱۳۸۱: ۳۲۸). امام

صادق (ع) از شاگردان متخصص خود برای این گفتگوهای علمی سود می‌جست و در موارد لازم خود در مناظرات شرکت می‌کرد و به آرامی و با استدلال عقاید انحرافی مخالفان را رد می‌کرد؛ آن گونه که با ابن ابی‌العوجاء زندیق معروف نشست‌های علمی گوناگونی داشت (منتظرالقائم، ۱۳۸۶: ۲۰۲). این مناظرات یکی از مهمترین عوامل توسعه علوم از منظر کمی و کیفی بود، زیرا شامل موضوعات متنوعی از جمله فقه، کلام، فلسفه و علوم طبیعی بود و به شیوه‌های مختلف و با استفاده از استدلال‌های عقلی و منطقی برگزار می‌شد، در حالی که پیش از این تمرکز مناظرات بر روی مسائل دینی و سیاسی بود. شاگردپروری نخبگانی به‌عنوان یک رویکرد دائمی و پویا در نظام تربیتی و آموزشی امام صادق (ع) به شکل برنامه‌ریزی شده و نظام‌مند چه به لحاظ نظری و چه از جنبه عملی به اجرا درآمده و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است (هدایت پناه، ۱۴۰۱: ۱۸).

سیره علمی و شاگردپروری امام جعفر صادق (ع) نشان می‌دهد که ایشان به جنبه‌های مختلف دانش و دانشجویان خود عنایت ویژه‌ای داشتند و روش‌های نوین تدریس، مناظره و مباحثه را به کار می‌گرفت که به گسترش علم و دانش در تمدن اسلامی منجر شد.

#### ۶. تأثیرگذاری بر بنیان‌های علمی مذاهب اسلامی

گستره فعالیت‌های علمی و پدید آمدن کرسی استادی برای امام صادق (ع) در جامعه اسلامی و راه‌یافتن گروه‌های مختلف در جمع شاگردان ایشان باعث شد، تا محدثین اهل سنت از امام صادق (ع) روایاتی نقل نمایند و به تدریج در جوامع حدیثی‌شان ثبت و ضبط گردد. امروزه با تلاش محققان روایات فراوانی از کتاب‌های اهل سنت استخراج شده که از لحاظ لفظی و مضمونی (معنایی) بسیار شبیه روایات آن حضرت می‌باشد (ر.ک: قانصوه، ۱۴۰۴: ۳۰-۴۱).

مستشرقان نیز از امام صادق (ع) به‌عنوان مقام مرجع و عالم مدینه یاد کردند که در اسناد اهل سنت با احترام از او یاد شده و نه تنها با اکثریت غیر شیعی قطع رابطه نداشته است، بلکه تأثیر علمی ایشان موجب شد، تا برخی از پیروان شیعی او در اسناد اهل تسنن نیز مشاهده شود (تقی‌زاده داوری، ۱۳۸۵: ۲۸۷).

حضور ابوحنیفه و مالک بن انس به عنوان امامان مذهب حنفی و مالکی در زمره مهمترین شاگردان امام صادق (ع) و استفاده علمی از آن حضرت در منابع متعدد اهل سنت گزارش شده است (ابن حجر هیتمی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۵۸۶). برخی از نویسندگان اهل سنت حضور مالک بن انس در مدینه و استفاده از درس کسانی چون امام صادق (ع) را از عوامل رشد علمی او بیان کرده‌اند (شکعه، ۱۴۱۸: ج ۲، ۸). ابن ابی الحدید معتزلی نیز چهار عالم و امام اهل سنت را با واسطه یا بی‌واسطه شاگرد امام صادق (ع) دانسته و حتی معتقد است فقه اهل سنت ریشه در فقه شیعه دارد (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱: ۱۸).

اعتراف بزرگان اهل سنت مانند ابوحنیفه که امام صادق (ع) را فقیه‌ترین و داناترین فرد در میان مسلمانان دانسته (ذهبی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۱۲۶) و مالک بن انس که معتقد بود از جهت فضل، علم و عبادت و ورع، هیچ چشم و گوشه برتر از جعفر بن محمد ندیده و نشنیده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴: ۲۴۸) و این سخن ابوحنیفه که دو سال شاگرد امام بوده و اساس علم و دانش او از این دو سال است (حیدر، ۱۴۲۲، ج ۱: ۵۵) بیانگر تاثیر عمیق علمی آن حضرت بر پیشوایان سایر مذاهب اسلامی و عالمان مسلمان می‌باشد.

نکته جالب‌تر ابوحنیفه نه تنها از محضر امام صادق (ع) بلکه از محضر شاگردان آن حضرت نیز استفاده علمی برده و برخی از شاگردان برجسته امام برای او و سایرین حکم استاد و معلم را داشتند، مانند جریان تعلّم و یادگیری ابوحنیفه از محضر محمد بن مسلم ثقفی در مسأله وفات زن حامل که خود ابوحنیفه به اعلمیت و برتری محمد بن مسلم اقرار کرده و اعتراف می‌کند از او احکام دینی را فرا گرفته است (کشی، ۱۳۴۸: ۱۶۳؛ سبحانی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۱۹۸).

عبدالحلیم جندی درباره نیاز مردم زمانه به علوم امام صادق (ع) می‌نویسد مسلمانان در آن ایام به تعلیم امام صادق (ع) نیازمندتر بودند تا به حکومتی که بر ایشان بنماید (جندی، ۱۳۹۷: ۱۵۴) و به تعبیر استاد مطهری اگرچه برای امام صادق (ع) زمینه زعامت سیاسی فراهم نشد، ولی این زمینه فراهم شد که حرکت‌های علمی جهان اسلام اعم از شیعه و سنی توسط امام صادق (ع) آغاز گردید، افزون بر حوزه‌های شیعی، حوزه‌های اهل سنت نیز مولود تلاش علمی آن حضرت است و همه اینها به جهت استفاده صحیح امام از وضع زمان خود بود (مطهری، ۱۳۶۷: ۱۶۳).

روایات امام صادق (ع) که توسط شاگردان ایشان اعم از شیعه و سنی نوشته می‌شد، با این تفاوت بود که اهل سنت حدیث را از جعفر بن محمد، عن ابیه، عن آبائه، عن رسول الله (ص) یعنی با ذکر سند نقل می‌کردند (ر.ک: شافعی، بی‌تا: ۳۶۱؛ ابویعلی موصلی، بی‌تا، ج: ۱: ۳۴۴؛ دارقطنی، ۱۴۰۷: ۳۶۴، ۳۶۶، ۳۶۷)، اما شاگردان شیعه آن حضرت با عنوان عن ابی‌عبدالله و بدون ذکر این سند نقل می‌کردند.

امام جعفر صادق (ع) با رویکرد علمی و فرهنگی خود، تأثیر عمیقی بر بنیان‌های علمی مذاهب اسلامی گذاشت و توانست به ترویج گسترش علم و فرهنگ در جامعه اسلامی کمک نماید. به طوری که بسیاری از علمای بزرگ اهل سنت از علم و دانش امام صادق (ع) بهره‌مند شدند. این رویکرد باعث تقویت جامعه اسلامی و کاهش تنش‌ها دست‌کم میان عالمان مذاهب مختلف شد، به طوری که این فضای آزاداندیشی بعدها بستری برای پژوهش‌های علمی بیشتر فراهم کرد و در همین زمینه می‌توان به حرکت پرشور قرن‌های دوم و سوم اسلامی در تبادل علمی میان مذاهب اشاره کرد.

### نتیجه‌گیری

امام جعفر صادق (ع) با تلاش‌های علمی گسترده خویش و تربیت اصحاب و شاگردان دانشمند، نقش بسیار چشمگیری در گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی داشت. وجود انبوه روایات امام صادق (ع) در منابع شیعه و اهل سنت بیانگر نقش علمی حضرت در زمان خویش می‌باشد، به ویژه که عالمان بزرگ و امامان اهل سنت نیز خود را مفتخر به شاگردی آن حضرت می‌دانند. از طرفی در دوره زمانی امام ورود آثار ملل مختلف، مسلمانان را با چالش عظیم علمی مواجهه کرد که در اینجا نیز امام صادق (ع) با رهنمودهای عالمانه خویش، روش علم آموزی اسلامی را به دانشجویان علم در هر نقطه و با هر گرایش و مذهب آموزش داد، به طوری که تعداد شاگردان مکتب حضرتش را تا چهار هزار و بیشتر دانسته‌اند. در این ساختار آموزشی، امام صادق (ع) به دانش‌اندوزان گرایش‌های مختلف آموزش داده و افرادی متخصص را تربیت کرد که تا آن زمان بی‌سابقه بود. این موضوع افزون بر تبیین جایگاه والای امام صادق (ع) بیانگر توانایی و تبحر شاگردان ایشان در علوم مختلف تا سرحد استادی کامل و متخصص می‌باشد. حرکت علمی و فرهنگی امام صادق (ع) در آن حد از اهمیت است که می‌توان

گفت سراسر سلسله همه جریان‌ها و حرکت‌های علمی مسلمانان به نوعی از این امام بزرگوار بهره گرفته‌اند.

### کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابن ابی الحدید، عزالدین (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیه الله المرعشی.

ابن حجر هیتمی، احمد بن محمد (۱۴۱۷). الصواعق المحرقة علی اهل الرفض و الضلال و الزندقه، تحقیق عبدالرحمن بن عبدالله التركي، بیروت: مؤسسه الرساله.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹). مناقب آل ابی طالب، قم: علامه.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب، بیروت: دار صادر.

ابن ندیم، محمد بن ابی یعقوب (۱۳۹۳). الفهرست، تحقیق رضا تجدد، تهران: انتشارات مروی.

ابویعلی موصلی، احمد بن علی (بی‌تا). مسند ابویعلی الموصلی، تحقیق حسین سلیم اسد، دمشق: دار المأمون للتراث.

احمدی میانجی، علی (۱۴۱۹). مکاتیب الرسول، قم: انتشارات دار الحدیث.

احمدی میانجی، علی (۱۴۲۶). مکاتیب الأئمة علیهم السلام، قم: دارالحدیث.

امین، سیدمحسن (۱۴۰۳). اعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف.

انوری، حسن (۱۳۸۳). فرهنگ روز سخن، تهران: سخن.

آشوری، داریوش (۱۳۷۵). تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا.

آقا بزرگ تهرانی، محمدمحسن (۱۴۰۸). الذریعة إلى تصانیف الشیعة، قم: اسماعیلیان.

برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱). المحاسن، قم: دار الکتب الإسلامیة.

پاکتچی، احمد (۱۳۸۹). «جعفر صادق (ع)، امام»، دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دائره المعارف

بزرگ اسلامی، ج ۱۸.

تقی‌زاده داوری، محمود (۱۳۸۵). تصویر امامان شیعه در دایره المعارف اسلام «ترجمه و نقد»، قم: مؤسسه شیعه شناسی.

جاحظ، عمرو بن بحر (۲۰۰۲). رسائل الجاحظ: رسائل السیاسیة، بیروت: دار و مکتبه الهلال.

- جعفریان، رسول (۱۳۸۱). حیات فکری و سیاسی ائمه، قم: انصاریان.
- جندی، عبدالحلیم (۱۳۹۷). الامام جعفر الصادق، قاهره: مطبعة الازهرام التجاریه.
- چراغیان‌راد، مصطفی (۱۳۹۸). «بررسی نقش ائمه شیعه تا امام رضا (ع) در گسترش و پیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی»، علم و تمدن در اسلام، ش ۲، ص ۴۸-۶۷.
- حسینی طهرانی، سیدمحمدحسین (۱۴۲۲). امام‌شناسی، مشهد مقدس: علامه طباطبائی.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۷۷). بعثت، غدیر، عاشورا، مهدی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حیدر، اسد (۱۴۲۲). الإمام الصادق و المذاهب الأربعة، بیروت: دار التعارف.
- دارقطنی، علی بن عمر (۱۴۱۷). سنن الدارقطنی، تحقیق مجدی شوری، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- دونالدسن، دوایت. ام (۱۴۱۰). عقیده الشیعة و هو کتاب عن تاریخ الاسلام فی ایران و العراق، ترجمه عبدالمطلب امین، بیروت: موسسه المفید.
- ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۹). تذکره الحفاظ، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- رهبری، عباس (۱۴۰۰). «تبیین موقعیت راهبردی (SWOT Analysis) امام صادق (ع) در مهندسی فرهنگ و تمدن اسلامی»، مطالعات تاریخ و تمدن ایران و اسلام، شماره ۲، ص ۶۴-۹۰.
- زریاب خوئی، عباس (۱۳۷۴). «ابن مقفع» دایرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر سیدکاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائرة المعارف اسلامی، ج ۴.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۱). کارنامه اسلام، تهران: امیرکبیر.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۸). موسوعه طبقات الفقهاء، قم: موسسه امام صادق (ع).
- شافعی، محمد بن ادریس (بی تا). مسند الامام الشافعی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- شریفی، سیدمحسن (۱۳۹۲). «نقش امام صادق (ع) در علوم طبیعی»، فرهنگ پژوهش، ش ۱۳، ص ۴۵-۷۰.
- شکعه، مصطفی (۱۴۱۸). الائمة الاربعه، قاهره: دارالکتاب.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۳۶۴). الملل والنحل، تحقیق محمد بدران، قم: الشریف الرضی.
- شهیدی، سیدجعفر (۱۳۸۴). زندگانی امام صادق جعفر بن محمد (ع). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۰). الامالی، بیروت: مؤسسة الاعلمی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۳). الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: نشر اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۴). من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: نشر اسلامی.

- صفائی، احمد (۱۳۵۹). هشام بن الحکم، دفتر نشر آق.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۳). رجال الطوسی، تصحیح جواد قیومی اصفهانی، قم: دفتر نشر اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷). الفهرست، تحقیق جواد قیومی، قم: مؤسسه نشر الفقهیه.
- عمید، حسن (۱۳۶۰). فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). کتاب العین، قم: هجرت.
- قاضی عیاض، عیاض بن موسی (۱۴۰۹). الشفا بتعریف حقوق المصطفی، بیروت: دارالفکر.
- قانسوه، محمود (۱۴۰۴). «الروایات المشتركة»، التوحید، ش ۱۱، ص ۳۰-۴۱.
- قفطی، علی بن یوسف (۱۳۷۱). تاریخ الحکماء قفطی، تهران: دانشگاه تهران.
- قمی، عباس (۱۴۰۹). الکنی واللقاب، طهران: مکتبه الصدر.
- کشی، محمد بن عمر (۱۳۴۸). رجال، مشهد: انتشارات دانشگاه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- کمره‌ای، محمدباقر (۱۳۷۵). ترجمه و شرح اصول کافی، قم: انتشارات اسوه.
- گولد، جولیس و کولب ویلیام (۱۳۷۶). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه محمدجواد زاهدی، تهران: نشر مازیار.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الانوار، تحقیق محمدباقر بهبودی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۷). شناخت نامه حدیث، قم: دارالحدیث.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۷). سیری در سیره ائمه اطهار (ع). قم: انتشارات صدرا.
- مظفر، محمدحسین (۱۳۹۰). علم الامام، ترجمه محمد آصفی، تبریز: میهن.
- معین، محمد (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵). پیام امام شرح تازه و جامع بر نهج البلاغه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- منتظرالقائم، اصغر (۱۳۸۶). تاریخ امامت، دفتر نشر معارف.
- میرمحمدی، سیدجمال الدین (۱۳۹۹). «نقش فقه در تمدن اسلامی»، علم و تمدن در اسلام، ش ۶، ص ۱۳۶-۱۵۲.
- میکل، آندر (۱۳۸۱). اسلام و تمدن اسلامی، ترجمه حسن فروغی، تهران: سمت.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷). رجال النجاشی، تحقیق سیدموسی شبیری زنجانی، قم: نشر اسلامی.

ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۹۳). تاریخ علم در فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۴). نظریه برخورد تمدن‌ها، ترجمه مجتبی امیری، تهران: نشر وزارت امور خارجه.  
هدایت پناه، محمدرضا، پیوندی بلدی، محمدرضا (۱۴۰۱). «الزامات، اصول و روش های اخلاقی و آموزشی شاگردپروری از دیدگاه امام صادق (ع)»، علم و تمدن در اسلام، ش ۱۴، ص ۱۰-۳۳.